

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۶، ویژه تاریخ اسلام

بازتاب اخبار مرتبط با امیرالمؤمنین علیه السلام

در سیره نگاری ابن شهاب زهری

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۱

مأنده محمدی احمدآباد*

چکیده

ابن شهاب زهری مؤسس مکتب سیره نگاری مدینه، از فقها، مفسرین، محدثین و سیره نگاران است که گام‌های اولیه روشمندی و تأسیس روش نوین در سیره نگاری را به خود اختصاص داده است. در دسترس نبودن آثار علمی مکتوب، پراکنده بودن بخشی از سیره نگاری او در ضمن سیره نگاری شاگردان و از میان رفتن بخشی دیگر، صادر نشدن و بازتاب ندادن بسیاری از اخبار اهل بیت به دلیل خوف و تقیه و همچنین اظهارنظرهای متفاوت که ممکن است به اقتضای زمانه و به دلیل حضور گسترده و مؤثر او در عرصه سیاسی، اجتماعی و علمی باشد باعث شده است تا قضاوت‌های کاملاً متناقض از او به عمل آید و بین شیعه و ناصبی بودن در تردد باشد. برای اثبات روشمندی مواجهه با گزاره‌های یک متفکر فاقد آثار مکتوب و قضاوت نهایی درباره او، فرایندی لازم است که از جمله آن‌ها گردآوری کامل و جامع از گزاره‌های او است. در این نگارش، سعی شده است که گردآوری کاملی از بازتاب اخبار مرتبط با امیرالمؤمنین علیه السلام در سیره نگاری ابن شهاب ارائه شود. کمترین فایده این اقدام این است که دو گزینه قطعی شیعه و ناصبی بودن مورد تشکیک قرار می‌گیرد و گزینه‌های دیگر تقویت می‌شود و بر این مطلب تأکید می‌شود که یک شخصیت تاریخی اگر به دلایلی دارای ابهام هست و رفع ابهام ممکن نیست لازم است که ابهام به‌عنوان جزئی از مؤلفه‌های شخصیتی و فکری او حفظ شود نه اینکه با تمسک به بخشی از گزاره‌های در دسترس او قضاوتی ارائه شود که با گزاره‌های دیگر درباره او در تناقض باشد و از یک شخصیت مبهم تاریخی، شخصیتی کاملاً متناقض به تصویر کشیده شود. به علت کثرت گزاره‌های در دسترس، بخشی از آن‌ها در این نگارش و برخی نیز در نگارش دیگر سازماندهی شده است. روش تحلیل مطالب، توصیفی - تحلیلی است که از منابع کتابخانه‌ای اعم از مکتوب و دیجیتال بهره‌مند شده است.

واژه‌های کلیدی: ابن شهاب، زهری، اخبار و فضائل امام علی علیه السلام، سیره نگاری، مکتب مدینه.

مقدمه

ابن شهاب زهري از شخصیت‌های مکتب ساز و جریان ساز در سیره نگاری است و مؤسس مکتب سیره نگاری مدینه به حساب می‌آید. بررسی اندیشه‌های او در جوامع علمی جهان اسلام و مستشرقین بسی اهمیت دارد. درباره شخصیت و اندیشه‌های او اظهارنظرهای متعددی صورت گرفته است و میان دانشمندان فریقین، مخالفان و موافقان جدی دارد به گونه‌ای که در جوامع علمی شیعه میان شیعه یا ناصبی بودن در تردد است.

یکی از ضعف‌های بسیار مهم در ارزیابی شخصیت او این است که گردآوری جامعی نسبت به بازتاب اخبار مرتبط با اهل بیت در سیره نگاری او صورت نگرفته است و بیشتر به نقل گزاره‌هایی از او اکتفا شده است. آنچه مزید بر علت می‌شود و روشمندی تحقیقات را مخدوش می‌سازد این است که هنوز تحقیق کاملی درباره گونه‌های ثبت اسم او در منابع تاریخی نشده است تا محقق با آسودگی خاطر و باتقوای کامل علمی قادر باشد بازتابی را به ابن شهاب منسوب نماید. مصیبت وقتی به اوج می‌رسد که همه اذعان دارند آثار علمی معتبری که بشود به او نسبت داد و امکان بررسی گزاره‌ها و تحلیل محتوای آن باشد در دسترس نیست.

با چنین توصیفی از وضعیت موجود، اگر بازتابی از فضائل علی (ع) در آثار ابن شهاب در دسترس نباشد آیا می‌توان ادعا کرد که ذکر نکردن آن خبر به دلیل عناد و دشمنی بوده است؟ آیا احتمال خوف و تقیه و یا گزارش موافق با نظر شیعه و از بین رفتن آثار وجود ندارد؟.

بنابراین، در این نگارش، سعی شده است که گردآوری به نسبت کاملی نسبت به بازتاب اخبار امام علی علیه السلام در سیره نگاری ابن شهاب صورت گیرد تا اگر مبنای قضاوت،

تمسک به گزاره‌ها باشد کما اینکه به‌طور عموم این‌گونه است لاقلاً گردآوری جامعی صورت گرفته باشد تا گزاره‌ها بتوانند در تعامل با یکدیگر، سیاق و قرائنی تولید نمایند که محقق را در رسیدن به یک قضاوت نزدیک‌تر به واقع کمک نمایند و مانع شتاب‌زدگی در داوری گردند. اگر محقق به این قاعده که «محمتمل در امور مهم با احتمال کم، زیاد است» ملتزم شود باعث می‌شود تا برای کاوش در شناخت اندیشه‌ها و شخصیت ابن شهاب چند گام پیوسته را طی نماید:

گام اول: اسامی ثبت‌شده از ابن شهاب، گردآوری و نهایی شود تا مسئله صدور از ابن شهاب مخدوش نگردد.

گام دوم: گزاره‌های بازتاب یافته از او در منابع تاریخی گردآوری شود تا همه قرائن و مفاهیم صادرشده از او به دست آید.

گام سوم: صحت و سقم آن‌ها بررسی شود زیرا که بعضی از آنچه از او نقل شده است جعلیاتی است که به دروغ به او نسبت داده شده است.

گام چهارم: لازم است با بررسی روشمند و اجتهادی در تحلیل گزاره‌ها به عرصه ارزیابی گام نهاد و به نتیجه تحقیق تسلیم شد، اگرچه نتیجه این باشد که ابن شهاب، دشمن اهل بیت است، یا شیعه است و یا اینکه در دوره‌ای شیعه بوده و در دوره‌ای دیگر به دشمنی دست‌زده است.

در این نگارش به‌اجمال و گذرا به اسامی مرتبط با ابن شهاب و مباحث پیرامونی آن پرداخته شده است ولی هدف اصلی از این نگارش، پرداختن به گام دوم است؛ بنابراین اخبار امام علی (علیه السلام) به چهار گونه تقسیم می‌شود که سه گونه اول در این نگارش ارائه می‌شود و گونه چهارم نیز در نگارشی دیگر تقدیم می‌گردد.

الف: اخبار مرتبط با حضرت علی از منظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله).

ب: اخبار مرتبط با حضرت علی علیه السلام در دوران مکی.

ج: اخبار مرتبط با حضرت علی علیه السلام در دوران مدنی.

د: اخبار مرتبط با حضرت علی علیه السلام در دوران خلفا.

۱. گونه شناسی اسامی مرتبط با ابن شهاب زهری

چندگونه زهری در لابه لای پژوهش‌ها به دست آمده است که بعضی به طور قطع ابن شهاب زهری نیستند و بعضی نیز برای نگارنده این نگارش هنوز در لایه ابهام است.

الف: ابن شهاب زهری متوفای ۱۲۴ هجری که مدنظر این نگارش است.

ب: شهاب‌الدین زهری: در یکی از روایات اسم زهری به شرح ذیل آمده است:

«شهاب‌الدین زهری روایتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد و گفت: اگر خود، این کلمات را از حضرت نشنیده باشم، دو گوشم کر باد و در ادامه به کلماتی از حدیث غدیر اشاره کرد. به شهاب‌الدین زهری گفتم: این سخنان را در سرزمین شام نقل نکن. تو با گوش‌های خود سب و ناسزا به علی علیه السلام را می‌شنوی. او گفت: به خدا سوگند! درباره فضایل علی علیه السلام احادیثی می‌دانم که اگر آن‌ها را نقل کنم، به قطع مرا می‌کشند».

در کتاب «الامام الزهری و اثره فی السنه» آمده است که «يعرف بالزهري كما يعرف بابن شهاب و اذا أطلق العلماء لفظ الزهري أو لفظ ابن شهاب، فلا ينصرف هذا اللفظان الا اليه لغلبتهما عليه دون غيره و لم يعرف الزهري باسم شهاب الدين كما سماه البعض بذلك» (الضاری، ۱۴۰۵، ق، ص ۲۱). نکته در همین است که بعضی ابن شهاب را به شهاب‌الدین نامیده‌اند و اگر در آن بازه زمانی شخصی دیگری به نام شهاب‌الدین باشد راه تشخیص و انتساب خبر به او غیرممکن است. در خبری که نقل شد و نام شهاب‌الدین زهری در آن آمده است نویسندگان آن را بر همان زهری معروف تطبیق داده‌اند در حالی که

طبق متن که می‌گوید اگر خود این کلمات را از حضرت نشنیده باشم الخ لازم‌ه‌اش این است که شهاب الدین در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنده باشد و مسلم است که تولد ابن شهاب زهری مدنظر ما متأخر است.

ج: محمد بن مسلم زهری: آیت‌الله نوری همدانی در خارج زکات می‌فرمایند که: روایت بعدی خبر محمد بن شهاب زهری است. خبر این است: و باسناده: شیخ طوسی، عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید، عن أبيه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن علی بن محمد القاسانی: که تا اینجا همه ثقة هستند، عن القاسم بن محمد کاسولا، عن سلیمان ابن داود الشاذ کونی، عن عبدالرزاق، عن معمر: این چند نفر توثیق نشده اند، عن محمد بن شهاب الزهری که معاصر امام سجاد (علیه السلام) بوده و از ایشان نقل می‌کند، یک بحثی درباره او وجود دارد و آن اینکه محمد بن شهاب الزهری و محمد بن مسلم الزهری دو نفر هستند یا یک نفر می‌باشند؟ تنقیح المقال می‌گوید که دو نفرند. ([/http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/noori/feqh/88/880908](http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/noori/feqh/88/880908))

در منابع تاریخی گاهی محمد بن مسلم زهری گفته می‌شود و به قطع همان ابن شهاب معروف را اراده کرده‌اند. اگر طبق نقل مرحوم مامقانی این دو، دو نفر باشند ملاک تمییز چیست؟.

د: زهری که مرادشان محمد بن سعد زهری، صاحب کتاب الطبقات الکبری است.

ه: زهری که همان ابن شهاب زهری مدنظر ما است. سخن در این است که اگر شخص دیگری به نام زهری با ضبط خاص یعنی زهری داشته باشیم و زهری معروف را به شکل زهری هم بنویسند، امر تشخیص و نسبت دادن خبر به او سخت می‌شود. (تهرانی ۱۴۲۷ ق. ۵، ج ۴، صص ۱۹۴-۱۹۶).

و: گاهی ابن شهاب بن عبدالله گفته می‌شود و مراد همان زهری معروف است. او اسمش عبدالله است و نام جدش نیز عبدالله است و همین مطلب باعث می‌شود که انسان

استبعاد کند که ابن شهاب بن عبدالله همان زهری معروف باشد. به مثال مدائنی می‌گوید: ابن شهاب ابن عبدالله به من خبر داد و گفت: خالد قسری به من گفت برای من سیره بنویس الخ. البته در این مورد، با قرائن خاص معلوم می‌شود که مراد همان زهری معروف است. (اصفهانی، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۲۲، ص ۲۱ و صائب، ۱۳۸۶ ش، صص ۹۳ و ۱۰۰).

ز: از زهری در باب مهدویت و آخرالزمان زیاد روایت نقل شده است. به مثال در کتاب «الملاحم و «الفتن» ابن طاووس نزدیک به ده روایت از او نقل شده است و همه به نام زهری است ولی برای نگارنده معلوم نیست که او کیست؟. تنها مطلبی که به دست آمده این است که در کتاب «الفتن» ابن حماد از زهری نام برده شده است و محققین گفته‌اند این زهری از صحابه است در حالی که زهری معروف از تابعین است. ولی معلوم نیست که زهری در کتاب ابن طاووس، از صحابه است یا تابعین.

درباره کتاب «الفتن» چند نکته قابل توجه است اول اینکه ابن حماد بیشتر روایات را از صحابه یا تابعین نقل می‌کند و آن گونه که انتظار می‌رود، سند روایات به رسول خدا ﷺ نمی‌رسد. فقط حدود ۲۵ روایت از پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ و امام باقر ﷺ صادر شده است و دیگر اسناد کتاب به افرادی چون کعب الاحبار، محمد ابن حنفیه، زهری، ارطاة و... ختم می‌شود. این گونه سندها نه تنها از نظر شیعه ارزشی ندارد، در نظر اهل سنت نیز حجیت ندارد، چون به اصطلاح موقوف به شمار می‌رود، یعنی سند آن به «صحابی» متوقف می‌شود (آیین پژوهش، ش ۸۴، ص ۵۰).

ح: ابوالفضل عبیدالله بن سعد بن ابراهیم زهری عوفی (م ۲۶۰ ق).

او یکی از مشایخ طبری است همان طور که زهری مدنظر ما نیز یکی دیگر از مشایخ طبری است. طبری از شیخ دیگر خود به نام زهری، ۶۰ روایت در موضوعات وفات پیامبر، سه روایت در مورد واقعه سقیفه، هشت روایت در خلافت ابوبکر، سیزده روایت در موضوع

مدعیان پیغمبری، نه روایت در واقعه ارتداد و سی روایت درباره خلافت عمر و فتوحات در ایران آورده است. (فرخنده زاده، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۰۳).

۲. زهری و اخبار مرتبط با امام علی علیه السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله

هدف نگارنده در این قسمت، به تصویر کشیدن این حقیقت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به امام علی علیه السلام یک گفتمان و شبکه ارزشی و معنایی ویژه‌ای را ارائه داده است که در آن، ارتباط وجودی و تأثیرات متقابل وجودی حضرت علی (ع) با خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت، محبین، دشمنان و طبیعت ترسیم شده است و در ادبیات علمی شیعه و اهل سنت بازتاب گسترده‌ای داشته است. هدف اصلی این است که نشان داده شود ابن شهاب زهری به این شبکه معنایی توجه داشته و آن را در سیره نگاری و سلوک علمی خویش منعکس ساخته است یا نه؟ آن قدر اخبار و فضایل حضرت امیر علیه السلام زیاد است که پاره‌ای از آن‌ها به دست ما رسیده است و بالطبع بعضی از آن‌ها از ابن شهاب نقل شده است و در دسترس ماست و اگر موانع در کار نبود بازتاب گسترده‌تری از ابن شهاب در تاریخ انعکاس می‌یافت که این که همین مطلب و حقیقت نیز از او انعکاس یافته است:

«والله، عندی من فضائل علی ما لو تحدثت بها لقتلت»: به خدا قسم، روایاتی در فضائل علی علیه السلام دارم که اگر نقل بکنم، کشته می‌شوم. (جزری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۴۹)

کما اینکه درباره ابن شهاب نقل شده است که اوزاعی در فضائل علی علیه السلام، فقط همین یک روایت را نقل کرده است و خدا داناتر است. همچنین زهری نیز فقط همین روایت را در فضائل علی علیه السلام نقل کرده است. این دو نفر همواره از بنی‌امیه در هراس بودند (جزری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۸) هدف از بیان مطلب اخیر، اشاره به «عدم نقل گسترده فضائل توسط ابن شهاب به دلیل ترس و تقیه» است، اگرچه ممکن است از عبارت «زهری نیز

فقط همین یک روایت را نقل کرده است» سؤالاتی به ذهن خواننده محترم خطور نماید ولی پاسخگویی به آن در رسالت این نوشتار نیست.

از بزرگان اهل سنت، حقائقی در دسترس است که گستردگی بی نظیر فضائل حضرت را که ابن شهاب می گفت اگر نقل کنم کشته می شوم را تأیید می کند. به عنوان نمونه، احمد بن حنبل، اسماعیل قاضی، نسایی، ابوعلی نیشابوری می گویند که بیشترین فضایی که با سندهای نیکو برای صحابه روایت شده است اختصاص به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد. (ابن حجر، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۱۲۰ و گنجی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۰۸ و ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۱۵) ابن عبدالبر در استیعاب می نویسد: فضائل حضرت در کتاب نمی گنجد. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۱۵) حافظ بیهقی می گوید: «عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَهْلُ كُلِّ فَضِيلَةٍ وَ مَنْقَبَةٍ، مُسْتَحَقٌّ لِكُلِّ سَابِقَةٍ وَ مَرْتَبَةٍ، لَمْ يَكُنْ فِي وَقْتِهِ أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ مِنْهُ». (گنجی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۲۵)

اکنون گفتمان نبوی ارائه می شود و در ادامه، پاره‌ای از اخبار و فضائل علی (ع) که توسط ابن شهاب زهری بازتاب یافته است بیان می گردد:

گفتمان نبوی:

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ را این گونه توصیف می نمایند: «عَلِيٌّ نَفْسُ رَسُولِ اللهِ، عَلِيٌّ أَخُو رَسُولِ اللهِ، عَلِيٌّ وَزِيرُ رَسُولِ اللهِ، عَلِيٌّ حَبِيبُ رَسُولِ اللهِ، عَلِيٌّ وَصِي رَسُولِ اللهِ وَوَارِثُهُ، عَلِيٌّ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللهِ، عَلِيٌّ هُوَ الْمُؤَدِّي عَنْ رَسُولِ اللهِ، عَلِيٌّ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيٌّ هُوَ الْإِمَامُ، عَلِيٌّ هُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ، عَلِيٌّ رَايَةُ الْهُدَى، عَلِيٌّ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، عَلِيٌّ مَفْتَرِضُ الطَّاعَةِ، عَلِيٌّ حُجَّةُ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ، عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَرَبِ، عَلِيٌّ هُوَ الْأَعْدَلُ فِي الرِّعْيَةِ، عَلِيٌّ هُوَ الثَّانِي عِنْدَ اللهِ، عَلِيٌّ قَائِدُ الْأُمَّةِ وَرَأْسُهُمْ، عَلِيٌّ هُوَ الْهَادِي لِكُلِّ قَوْمٍ، عَلِيٌّ هُوَ أَمِينُ اللهِ عَلَى سِرِّهِ، عَلِيٌّ هُوَ الْمُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ، عَلِيٌّ هُوَ الْأَمِيرُ فِي حَيَاةِ الرَّسُولِ، عَلِيٌّ هُوَ أَفْضَلُ الصَّحَابَةِ، عَلِيٌّ

صاحب رایه رسول الله، الحق يدور مع عليّ، عليّ هو الفاروق بين الحق و الباطل، عليّ هو عيبة علم النبي، عليّ احب الخلق الى رسول الله، عليّ اعظم الناس منزلة من النبي، محمد و عليّ نور واحد، سفينه نوح، ايداء عليّ ايداء رسول الله، عليّ اديب رسول الله، عليّ باب مدينه العلم، سب عليّ سب رسول الله، ابوهما خير منهما، عليّ افضل الصديقين، عليّ اقضى الصحابه، عليّ خير البشر، حق عليّ على هذه الأمة، جبرئيل عن يمين عليّ و ميكائيل عن يساره، محب عليّ مؤمن و مبغضه منافق، زواج عليّ من فاطمه بأمر الله تعالى، ذريّه النبي من صلب عليّ، عليّ سابق السابقين، رجحان ايمان عليّ على السماوات و الأرض، قاتل عليّ، أشقى الأولين و الآخرين، عليّ سهم الله تعالى، ضربة عليّ خير من عبادة الثقلين، لا فتى إلاّ عليّ، لا يجتمع حبّ النبي و بغض عليّ، فضائل عليّ فوق حد الإحصاء، بركة التراب تحت قدم عليّ، حب عليّ يحطّ السيئات، عليّ مجمع خصال الانبياء، في عليّ ممثّل من عيسى، ذكر عليّ عبادة، النظر الى عليّ عبادة، شيعة عليّ هم الفائزون» (محمدي، بررسی تحلیلی اخبار مرتبط با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در سیره نگاری ابن شهاب زهری، صص ۶۰-۷۰).

بازتاب این گفتمان در سیره نگاری ابن شهاب:

از زهری در تعاملی سازنده و هماهنگ با این گفتمان، بازتاب‌های ذیل در دسترس است:

۲-۱. محبت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

ابن شهاب روایت می کند که از انس بن مالک شنیدم که گفت: به خدایی که جز او خدایی نیست از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شنیدم فرمود: «سرلوحه مؤمن، محبت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) است». (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲۷، ص ۱۴۲).

زهری از سالم و او از پدرش نقل می کند که پیامبر خدا ﷺ در توضیح آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نوراً تمشون به و یغفر لکم و الله غفور رحیم» (حدید، ۲۸) فرمود: در روز قیامت کسی از شما نور بیشتری خواهد داشت که محبت بیشتری به آل محمد داشته باشد (محقق، ۱۳۶۱ ش، ص ۶۱۴).

زهری از انس بن مالک نقل می کند که ابن عباس مفسر معروف قرآن در کتاب تفسیرش بیان کرده است «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تُفلحون» (آل عمران، ۲۰۰) یعنی در محبت علی ابن ابی طالب ﷺ پایدار و صبور باشید و اتقوا الله از خدا بترسید و پروا داشته باشید و محبت داشتن نسبت به علی ﷺ و فرزندان او هرگز آنان را تنها نگذارید (حسکانی، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۱، ص ۱۷۹).

۲-۲. ایمان خالص امیرالمؤمنین ﷺ

ابن شهر آشوب از سفیان بن عیینه و او از زهری و او از انس بن مالک روایت می کند: آیه «و من یشلم وجهه الی الله و هو مُحسن» (لقمان، ۲۲) درباره امام علی ﷺ نازل شده زیرا «او نخستین کسی بود که ایمان خود را خالص از برای خدا قرار داد درحالی که نیکوکار بود». (محقق، ۱۳۶۱ ش، ص ۶۱۴).

۲-۳. ولایت امیرالمؤمنین ﷺ

زهری از نافع نقل کرده که فرزند عمر بن خطاب از رسول خدا ﷺ در ذیل «و اغتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳) روایتی را چنین بیان کرد: پیامبر ﷺ فرمود: جبریل امین برایم خبر آورده که «ولایت علی ﷺ قلعه و پناه امن من است و هر کس داخل این پناهگاه شود از عذاب و خطرات محفوظ خواهد ماند». (حسکانی، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۱، ص ۱۷۰).

۴-۲. محبت خدا، رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در ارتباط طولی

معمر از زهری از عبیدالله فرزند عبدالله بن عباس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه می‌کرد به علی بن ابی طالب علیه السلام نمود و فرمود: «هر که تو را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته و دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خداست. وای بر کسی که بعد از من تو را دشمن بدارد» (ابن مغزلی، ۱۴۲۴ ه.ق، ص ۱۳۰).

۵-۲. مقام و منزلت ویژه در دنیا و آخرت

معمر از زهری از عبیدالله فرزند عبدالله بن عباس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه می‌کرد به علی بن ابی طالب علیه السلام نمود و فرمود: «تو در دنیا سرور و در آخرت آقای» (ابن مغزلی، ۱۴۲۴ ه.ق، ص ۱۳۰).

۶-۲. امیرالمؤمنین علیه السلام، مجرای وجود یابی ذریه رسول اکرم صلی الله علیه و آله

زهری از امام زین العابدین و آن حضرت از پدرش روایت نموده که پیغمبر به فاطمه زهرا ۳ فرمود: «مهدی علیه السلام از فرزندان توست» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۵۱، ص ۷۸).

۷-۲. محبت امیرالمؤمنین علیه السلام و طبیعت

معمر از زهری و او از عکرمه و او از ابن عباس روایت کرده که گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود خداوند به سبب بدگمانی بنی اسرائیل نسبت به پیامبران و اختلاف در دین اجازه نداد آسمان بر آنان بیارد و «این امت را به سبب بغض نسبت به علی علیه السلام به خشک‌سالی گرفتار کرد» (علامه حلی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۲۸ و وحیدنیا، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۳۶-۱۳۸).

زهری روایت می‌کند که اسماء انصاری گفته است: «در شب شهادت حضرت علی علیه السلام هر سنگی را در ایلیا برمی‌داشتند از زیر آن خون تازه ظاهر می‌گشت» (فیروزآبادی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۷۷ و حاکم نیشابوری ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۳، ص ۱۴۴).

ابن عساکر از ابن شهاب روایت می‌کند که من برای نبرد وارد دمشق شدم و جهت سلام دادن نزد عبدالملک رفتم و او را در خیمه‌ای بر روی فرش‌ها دیدم و مردم زیر پایش بودند. به او سلام کرده و نشستیم. گفت: ای ابن شهاب آیا می‌دانی در صبحگاه قتل علی علیه السلام چه خبری در بیت المقدس بود؟ گفتم آری. گفت: بشتاب. پس از پشت سر مردم پاشدم تا نزدیک خیمه جلو رفتم، رویش را به طرف من برگرداند و گفت: چه چیزی بود؟ «گفتم هیچ سنگی در بیت المقدس برداشته نشد جز اینکه زیرش خون تازه بود». پس گفت: کسی جز من و تو موضوع این دیدار را نباید بداند. ابن شهاب گفت: تا زمانی که او از دنیا رفت راجع به این موضوع حرفی نزدم (باسم حلی، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۴۷ و ابن عساکر، ۱۹۹۵ م، ج ۱۱، ص ۲۳۰ و حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۳).

۱-۲. وحدت تکوینی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام

سبط بن جوزی از احمد بن حنبل در کتاب فضائل نقل کرده که او از عبدالرزاق، از معمر، از زهری، از خالد بن معدان، از زاذان، از سلمان روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من و علی علیه السلام نوری نزد خداوند متعال بودیم، چهار هزار سال قبل از آنکه خداوند آدم را خلق کند. هنگامی که آدم را آفرید، آن نور را دو جزء نمود: یک جزء من و جزء دیگر علی علیه السلام است» (ابن جوزی، ۱۴۲۵ ه.ق، ص ۴۶).

از مطالب فوق به دست آمد که علی رغم خفقان، خوف و تقیه‌ای که برای زهری وجود داشته است بازتاب‌های فوق‌العاده ارزشمندی از او نسبت به گفتمانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله ترسیم کرده‌اند در دسترس قرار گرفته است.

۳. اخبار مرتبط با امام علی علیه السلام در سیره نگاری ابن شهاب

برخی از اخبار مرتبط با امام علی علیه السلام که در ادبیات علمی فریقین بازتاب گسترده یافته به شرح ذیل است:

علی علیه السلام مولود کعبه، اولین مسلمان، اولین نمازگزار، ایمان حضرت ابوطالب، حدیث یوم‌الدار، ليله المبيت، مسئول دادن امانات بعد از هجرت نبی اکرم، پیمان برادری میان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، غزوه بدر، غزوه احد، غزوه خندق (احزاب)، ماجرای افک، صلح حدیبیه، غزوه خیبر، سربه ذات السلاسل، غزوه تبوک و حدیث منزلت، مأموریت قرائت آیات برائت، مباحله، غدیر، سپاه اسامه، ماجرای کاغذ و دوات، مراسم تکفین و تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله.

برخی از این اخبار در سیره نگاری ابن شهاب بازتاب داشته که در ذیل ارائه می‌شود:

۳-۱- زهری و اخبار دوران مکی مرتبط با حضرت علی علیه السلام

۳-۱-۱. اول مسلمان

از زهری دو بازتاب گزارش شده است:

الف: زید به حارثه را اولین مرد مسلمان معرفی می‌کند (صنعانی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۵، ص ۳۲۵) این قول با توجه به اینکه قائلی غیر از ابن شهاب ندارد باعث شده که صاحب کتاب معروف استیعاب آن را غریب بشمارد و تعجب نماید. (ناظم زاده قمی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۱۴۲)

ب: ابن شهاب مانند مشهور سیره نگاران، حضرت امیر علیه السلام را اولین مرد مسلمان

می‌داند.

به نقل ابن عبد آلبر، سه تن از علمای اهل سنت از جمله ابن شهاب زهری عقیده دارند: علی علیه السلام نخستین فرد از میان مردان است که اسلام آورده است (ابن عبد آلبر، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۳، ص ۱۰۹۲).

بیشتر نویسندگانی که اول مسلمان از نظر زهری را زید بن حارثه گزارش می‌کنند بیان نکرده‌اند که از زهری دو قول نقل شده است و فقط یکی را ذکر کرده‌اند. بعضی نیز تصریح می‌کنند که او اول مسلمان را زید بن حارثه می‌داند و به دنبال ذکر نام او، نام سایر کسانی که اسلام آورده‌اند را به ترتیب ذکر می‌کند ولی نامی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و احدی از بنی هاشم نمی‌آورد (صائب، ۱۳۸۶ ش، ص ۹۸) در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد که از او دو قول روایت شده است.

۳-۱-۲. ایمان ابوطالب

بازتاب‌هایی از ابن شهاب درباره ایمان ابوطالب یا شرک و کفر او در منابع اسلامی به دست آمده است. اگرچه بعضی از بازتاب‌های مرتبط با مدح ابی‌طالب که لازمه ایمان و اعتقاد و عشق ابوطالب به خدا، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دین خداست نیز وجود دارد. ابوطالب، معرفت خاصی نسبت به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد. در پیش‌گویی‌های بحیرا - راهب مسیحی - رسالت خاصی برای ابوطالب و عبدالمطلب در مدیریت حیات حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ارائه شده است.

الف: ابن شهاب زهری: بعضی (حیدری نسب، ۱۳۹۰ ش، ص ۹۰) می‌نویسند که از زهری روایتی مبتنی بر عدم ایمان جناب ابوطالب وارد شده است. (بخاری، ۱۲۹۶ هـ.ق، ص ۷۸۳) کما اینکه از شعیب از زهری از سعید بن مسیب روایت کرده‌اند که آیه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۵ سوره قصص «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» درباره جناب ابوطالب نازل شده است و آن هنگامی بود که وفاتش فرارسیده بود و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از

وی می‌خواست شهادتین را بگوید ولی او از این کار خودداری کرد (جهت نقد و بررسی آن رک: امینی، الغدير، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۸، ص ۵۹ و معروف الحسنی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۶۰).

محمد بن سعد در کتاب الطبقات الکبری از جماعتی از علمای اهل سنت از جمله زهری نقل می‌کند که عبدالمطلب در هنگام احتضار به ابوطالب وصیت کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله را که هشت‌ساله بود کفالت و سرپرستی نماید (ابن جوزی، ۱۴۲۵ ه.ق، ص ۱۷) و این بیانگر اهتمام آن دو به رسول خداست.

ب: ابن اسحاق شاگرد برجسته و مشهور او، گفتگوی معروف میان ابوطالب و علی علیه السلام درباره دین اسلام و مناسکی که حضرت محمد (ص) انجام می‌داد را نقل می‌کند. (طبری، ۱۹۱۶ م، ج ۲، ص ۵۸) و در بیان جایگاه و منزلت جناب ابوطالب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: تا ابوطالب بود پیامبر صلی الله علیه و آله پشتیبان داشت و قریش جرئت و توان ایدای رسول صلی الله علیه و آله را نداشتند ولی بعد از فوت ابوطالب، پیامبر صلی الله علیه و آله بی پشتیبان شد (طبری، ۱۹۱۶ م، ج ۲، ص ۸۰ و جزری، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱، ص ۵۰۷).

ابن هشام در تهذیب بر سیره ابن اسحاق، گفته است که مطالب چندی را حذف کرده است: «و أشیاء بعضها یشنع الحدیث به و بعض یسوء بعض الناس ذکره» آنچه که روایت آن‌ها قبیح بود و یا برخی از مردم از ذکر آن‌ها کراهت دارند را حذف کرده‌ام. (جعفریان، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۴ و ابن هشام، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱، ص ۴) همین موضع‌گیری باعث شده است که وی اشعاری از ابوطالب را که دلالت روشن بر ایمان وی به نبوت رسول الله صلی الله علیه و آله داشته و ابن اسحاق آن‌ها را روایت کرده است از سیره خود حذف نماید (جعفریان، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۴).

ج: عروه بن زبیر استاد ابن شهاب: او از دفاع‌های بی‌نظیر و گسترده ابوطالب در دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش سخن به میان آورده است. سخن از مدیریت‌های او در تأمین امنیت

جانی و روانی پیامبر ﷺ از جمله پناهندگی قریش در شعب ابی طالب. (ابن شهر آشوب، ۱۲۷۹ ه.ق، ج ۱، ص ۶۳ و مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۳۵، ص ۹۱) کما اینکه می‌گوید: تا ابوطالب بود پیامبر ﷺ پشتیبان داشت و قریش جرئت و توان ایذای رسول ﷺ را نداشتند ولی بعد از فوت ابوطالب، پیامبر ﷺ بی پشتیبان شد و از مکه به سمت طایف رفت تا از قبیله ثقیف طلب یاری نماید (طبری، ۱۹۱۶ م، ج ۲، ص ۸۰).

۳-۱-۳. ليله المييت

زهري اگرچه واقعه ليله المييت را بازتاب داده است ولی نامی از امام علی ﷺ در گزارش او نیست. عبدالرزاق - روایتگر مغازی ابن شهاب زهري - در کتاب «المصنف» می‌گوید: در روایتی که ابن شهاب زهري از عروه از عایشه درباره ليله المييت نقل کرده است یادی از حضرت امیر ﷺ نکرده است (صنعانی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۵، صص ۳۸۵-۳۸۹ و ۳۹۰-۳۹۲ و صائب، ۱۳۸۶ ش، ص ۹۹).

۳-۲-۳. زهري و اخبار دوران مدنی مرتبط با حضرت علی ﷺ

۳-۲-۱. غزوه بدر

در ارشاد مفید از ابوبکر هذلی از ابن شهاب زهري آمده است که سعید بن عاص، پسر عاص بن سعید در زمان خلافت عمر وارد مجلس او شد و در گوشه‌ای نشست، سعید می‌گوید: عمر نگاهی به من افکند و گفت چه شده است؟ چنان به من نگاه می‌کنی که گویا از من چیزی در دل داری. آیا می‌پنداری من پدرت را کشته‌ام؟ به خدا دوست داشتم من او را کشته بودم و اگر او را کشته بودم از کشتن یک کافر پوزش نمی‌خواستم. ولی روز بدر در حالی به او برخوردم که همچون گاوی به دنبال جفت می‌گردد، به دنبال هم‌آورد می‌گشت. من آهنگ او کرده و به سویش رفتم. گفت: ای پسر خطاب: به سوی من بیا. در این هنگام، علی ﷺ آهنگ او کرد و به او رسید و به خدا من از جایم تکان نخورده بودم

که او را کشت. علی علیه السلام در مجلس حاضر بود و هدف عمر را از تازه کردن این رویداد، برای ذهن سعید بن عاص دریافت و فرمود: خدا پوشاننده است، شرک یا هر آنچه در آن بود رفت و اسلام آنچه را گذشته است محو نمود. ای پسر خطاب تو را چه می شود که مردم را بر من می شورانی. عمر خاموش شد و سخن نگفت. سعید نیز گفت: من خوشحال نمی شدم که کشنده پدرم شخصی جز پسرعمویش علی بن ابی طالب علیه السلام باشد (معروف الحسنی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۱، ص ۴۰۸-۴۰۹).

در المغازی النبویه آمده است که: ابوجهل در میان قریش حرکت کرد و عتبه بن ربیع را سرزنش نمود که تو ترس از جنگ داری و لذا او همراه برادرش شیبه بن ربیع و پسرش ولید بن عتبه در مقابل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفتند و مبارز طلبیدند. گروهی از بنی خزرج به پا خاستند ولی پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که بنشینند. در آن هنگام، امام علی علیه السلام، حمزه، عبیده بن الحارث بن عبدالمطلب بن عبدمناف به پا خاستند و در یک تقسیم کار، هریکی در برابر یکی از طرف مقابل قرار گرفت و آنها را کشتند (زهری، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۶۴).

۳-۲-۲. ازدواج حضرت امیر علیه السلام با حضرت زهرا ۳

گزارش های موجود درباره ازدواج علی علیه السلام و حضرت زهرا (س)، دلالت دارد بر اینکه این دو همسر، به دلایل و ویژگی های شخصیتی و ایمانی که دارند کفو و همتای یکدیگر هستند و به دستور خدا این ازدواج صورت گرفته است درحالی که از زهری نقل شده است که امام علی علیه السلام از دختر ابوجهل خواستگاری نمود که موجب غضب پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه شد و پیامبر صلی الله علیه و آله طی یک سخنرانی عمومی فرمودند: من این ازدواج را اجازه نمی دهم مگر این که پسر ابوطالب بخواهد دختر مرا طلاق بدهد و با دختر آنان ازدواج نماید؛ زیرا که او پاره تن ماست. (حیدری نسب، ۱۳۹۰ ش، ص ۹۰ و بخاری، ۱۲۹۶ ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۳۲ و مسلم، ۱۳۳۴ ه.ق، ص ۱۰۲۱-۱۰۲۲).

متفکرین شیعی به دلایل متعدد این روایت را دروغ می‌دانند و بعضی قائل‌اند که این خبر از جعلیات زبیری‌ها است. هدف آنان از جعل خبر آن است که آسمانی و الهی بودن این ازدواج و کفویت بی‌نظیر حضرت امیر علیه السلام و حضرت زهرا سلام‌الله علیها را مخدوش سازند و عصمت آنان را به دلیل اذیت و رنجاندن یکدیگر که مساوی با اذیت خدا و رسول خداست را منتفی نمایند (شهیدی، ۱۳۶۸ ش، ص ۸۸-۹۲ و امینی، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۸ و حسینی میلانی، ۱۴۲۹ ه.ق، ص ۶۹-۷۰).

۳-۲-۳. غزوه احد

بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها یک بازتاب از زهری در ارتباط با حضور امام علی علیه السلام در جنگ احد و همراهی ویژه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و حمایت از او در دسترس است (زهری، به کوشش عواجی، ۱۴۳۰ ه.ق، ص ۳۵۴ و ۳۵۵).

۳-۲-۴. غزوه خندق (احزاب)

یک بازتاب تاریخی دال بر قتل عمرو بن عبدود و پسرش مسحل به دستان مبارک امام علی علیه السلام به ما رسیده است که به شرح ذیل است: بلافاصله بعد از غزوه خندق، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آماده غزوه بنی قریظه شد و پرچم این نبرد مهم را به ابرمرد عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام اعطا نمود. گزارش این ماجرا به نقل از ابن شهاب زهری به شرح ذیل است:

زهری از عروه نقل می‌کند که: «وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ خندق برگشت و ابزار جنگ را به زمین گذاشت و استحمام کرد، جبرئیل برایش نمودار شد و گفت در انجام جهاد هیچ عذری باقی نگذاشتی، حال می‌بینیم لباس جنگ را از خود جدا می‌کنی و حال آنکه ما نکنده‌ایم. رسول خدا صلی الله علیه و آله از شدت ناراحتی از جای پرید و فوری خود را به مردم رسانید که نماز عصر را نخوانند مگر بعد از آنکه بنی قریظه را محاصره کرده باشند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را به عنوان مقدمه جلو فرستاد و پرچم جنگ را به دستش داد و فرمود، همه جا پیش برو تا لشکر را جلو قلعه بنی قریظه پیاده کنی، علی (علیه السلام) از پیش براند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دنبالش به راه افتاد، در بین راه به عده‌ای از انصار که از تیره بنی غنم بودند برخورد که منتظر رسیدن آن جناب بودند و چون آن جناب را دیدند ایشان فرمود ساعتی قبل لشکر از اینجا عبور کرد؟ در پاسخ گفتند: دحیه کلبی سوار بر قاطری ابلق از اینجا گذشت، درحالی که پتویی از ابریشم بر پشت قاطر انداخته بود، حضرت فرمود: او دحیه کلبی نبود، بلکه جبرئیل بود که خداوند او را مأمور بنی قریظه کرده تا ایشان را متزلزل کند و دل‌هایشان را پر از ترس سازد (طباطبایی، ۱۳۸۲ ش، سوره احزاب، آیات ۹ تا ۲۷ و عاملی، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱۱، ص ۳۳ و نیشابوری، ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۳، ص ۳۴ و سیوطی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳، ص ۱۷۸ و احمد بن حنبل، ۱۳۱۳ ه.ق، ج ۶، ص ۱۴۲).

۳-۲-۵. ماجرای افک

ابن عساکر با سند خود از امام شافعی از عمویش روایت می‌کند که گفت: «سلیمان بن یسار بر هشام وارد شد؛ هشام به او گفت: ای سلیمان آنکه قسمت عمده آن [گناه] را بر عهده گرفت چه کسی است؟ سلیمان به او گفت: عبدالله بن اُبی بن سلول. هشام به او گفت: دروغ گفتی، او علی (علیه السلام) است. سپس ابن شهاب بر او وارد شد. هشام به او گفت: منظور از آنکه قسمت عمده آن را بر عهده گرفت چه کسی است؟ ابن شهاب گفت: او عبدالله بن اُبی بن سلول است. هشام گفت: دروغ گفتی، او علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. ابن شهاب گفت: من دروغ می‌گویم؟! پدر نداری! به خداوند سوگند اگر نداده‌ای از آسمان ندا دهد که خداوند دروغ را حلال کرده است دروغ نخواهم گفت! عروه بن ولید و سعید بن مسیب و عبیدالله بن عبدالله و علقمه بن وقاص، همه‌شان از عایشه چنین روایت کرده‌اند که: آنکه بخش عمده آن گناه [یعنی افک] را بر دوش گرفت عبدالله بن اُبی است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۵۵، ص ۳۷۰)

اسحاق شاگرد مشهور او از چند طریق، از جمله از طریق ابن شهاب، ماجرای افک را از زبان عایشه نقل کرده است (ابن شبه، ۱۲۹۹ ه.ق، ج ۱، ص ۳۱۱-۳۱۷).

۳-۲-۶. صلح حدیبیه

ابن هشام از ابن شهاب زهری نقل می‌کند که او می‌گوید: «در اسلام هیچ فتحی قبل از این ماجرا به دست نیامده که بزرگ‌تر از آن باشد. پیش از آن هرگاه باهم روبرو می‌شدند به جنگ می‌پرداختند اما پس از آنکه صلح برقرار شد و جنگ بارهای سنگین خود را فرو نهاد و مردم امنیت یافتند و هنگام برخورد با یکدیگر به بحث و گفتگو درباره اسلام می‌پرداختند، دیگر هیچ عاقلی وجود نداشت که درباره اسلام با او سخن گفته شود ولی اسلام را قبول نکنند. دو سال پس از صلح حدیبیه آن قدر از مردم اسلام آوردند که برابر یا بیشتر از مسلمانانی بودند که تا این زمان اسلام آورده بودند.» سپس ابن هشام می‌گوید: «دلیل صدق گفتار امام زهری این است که حضرت رسول الله ﷺ وقتی به حدیبیه رفت طبق روایت جابر، هزار و چهارصد نفر با وی همراه بودند اما دو سال بعد از صلح حدیبیه، هنگامی که به قصد فتح مکه حرکت کرد، تعداد همراهانش ده هزار نفر بود.» (ابن هشام، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۳۳۳)

با توجه به نقل برخی منابع اهل سنت، زهری، کاتب صلح حدیبیه را، امام علی علیه السلام می‌داند اما به این نکته نیز اشاره می‌کند که افرادی در تلاش‌اند تا فرد دیگری را به عنوان نویسنده این صلح‌نامه وانمود کنند. عبدالرزاق صنعانی می‌نویسد: «مَعَمَرٌ می‌گوید: از زهری درباره کاتب معاهده حدیبیه سؤال کردم، خندید و گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام اما اگر از اینان (بنی‌امیه) سؤال کنی، خواهند گفت: عثمان (صنعانی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۵، ص ۳۴۳ و فیروزآبادی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۳۳۶). در این ماجرا به نام امام علی علیه السلام و خلیفه سوم تصریح می‌کند که اینک بعد از انجام صلح، یکی از اصحاب باحالت اعتراض از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید که آیا این فتحی بود که می‌گفتی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جواب مثبت داد. زهری

این مطلب را نقل کرده و به جای یکی از اصحاب، به نام خلیفه دوم تصریح کرده است (طبرسی، ۱۳۸۹ ش، ج ۹، ص ۱۱۰ و جعفریان، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۱).

۳-۲-۷. غزوه تبوک و حدیث منزلت

در «المغازی النبویه» که به کوشش سهیل زکار تدوین شده است زهری به حدیث منزلت تصریح کرده است. (زهری، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۱۱۱) زهری از افرادی است که با تأکید معتقدند جانشین تعیین شده در مدینه فقط علی علیه السلام بود و پیامبر صلی الله علیه و آله او را علاوه بر اهل بیت خود، بر پایگاه حکومت خود (مدینه) ولایت و نیابت داده است و کس دیگری در این نیابت، همکار و شریک وی نبوده است. (موسی پور، ۱۳۸۵ ش، ص ۷)

۳-۲-۸. سد الابواب

ابن شهاب درباره خبر «سد الابواب» نظری مخالف با مشهور دارد. او می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تمام درب های آمدوشد در مسجد را ببندید مگر درب ابوبکر را؛ زیرا من میان صحابه، کسی را بهتر از ابوبکر نمی شناسم». (صنعانی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۵، ص ۴۳۱)

۳-۲-۹. غدیر

زهری روایتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده و گفته است: اگر خود، این کلمات را از حضرت نشنیده باشم، دو گوشم کر باد و در ادامه به کلماتی از حدیث غدیر اشاره می نماید. به او گفتم: این سخنان را در سرزمین شام نقل نکن؛ زیرا تو با گوش های خود سب و ناسزا به علی علیه السلام را می شنوی. او گفت: به خدا سوگند! درباره فضایل علی علیه السلام احادیثی می دانم که اگر آن ها را نقل کنم، به قطع مرا می کشند». (جزری، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱، ص ۴۴۹ و ۴۵۰)

در ارتباط با غدیر، بازتاب دیگری از زهری وجود دارد. علامه امینی در کتاب «الغدیر» عده بسیاری از راویان غدیر - از صحابه، تابعین و دانشمندان اهل سنت ° را شمارش کرده است. از جمله آن‌ها روایتی است از «زهری» که نقل می‌کند: پیامبر سه مرتبه فرمود: «آگاه باشید که حاضران باید جریان نصب علی علیه السلام به ولایت و امامت و واقعه غدیر را به غائبان برسانند». (امینی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۱، ص ۳۳)

۳-۲-۱۰. ماجرای کاغذ و دوات

در ماجرای کاغذ و دوات، عبارتی از پیامبر ﷺ صادر می‌شود که بر سر محتوای آن اختلاف وجود دارد ولی از ابن شهاب بازتابی در دسترس است که اگرچه برخلاف معتقدات مذهب حقه تشیع است ولی در مقام تبیین آن ابهام است: «زهری از عروه از عایشه نقل می‌کند که: عایشه می‌گوید: پیامبر ﷺ در بیماری خود به من فرمود: پدرت ابوبکر و برادرت را فراخوان تا چیزی بنویسم. من از این که شخصی به خلافت دل ببندد و بگوید من به خلافت سزاوارترم بیمناکم. خدا و مؤمنان جز به خلافت ابوبکر رضایت ندهند.» (صائب، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۲۱ و مسلم، ۱۳۳۴ ه.ق، ح ۲۳۸۷).

۳-۲-۱۱. مراسم تکفین و تدفین رسول خدا ﷺ

شیعه قائل است که مراسم بیعت با خلیفه اول، هم‌زمان با کفن و دفن پیامبر ﷺ بود و عده‌ای قائل‌اند که مراسم تکفین و تدفین بعد از مراسم بیعت بوده است و مردم در هر مشکلی که داشتند از دستور ابوبکر پیروی می‌کردند (ابن کثیر، ۱۴۲۴ ه.ق، ج ۵، ص ۲۶۰ و مادلونگ، ۱۳۸۵ ش، ص ۵۰۴).

از ابن شهاب زهری در این راستا نقل شده است که ابوبکر و اصحاب رسول خدا ﷺ، کفن و دفن را به عباس، علی رضی الله عنه، فضل بن عباس و دیگران از خاندان پیامبر ﷺ واگذار

کردند و اینان بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله را کفن پوشاندند (بلاذری، ۱۹۹۶، م، ج ۱، ص ۵۷۰ و مادلونگ، ۱۳۸۵، ش، ص ۵۰۴).

تأثیر تلویحی این بازتاب این است که نباید تصور شود که انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه در زمانی انجام شده است که خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله سرگرم کفن و دفن او بودند، بلکه برعکس، باید تصور شود ابوبکر که به عنوان خلیفه انتخاب شده است، نظارت کامل بر مراسم تکفین و تدفین داشت و حضرت علی علیه السلام و دیگران با مدیریت و دستور ابی بکر این اقدام را انجام دادند.



نتیجه‌گیری

ابن شهاب زهری مؤسس مکتب سیره نگاری مدینه، از فقها، مفسرین، محدثین و سیره نگارانی است که گام‌های اولیه روشمند و تأسیس روش نوین در سیره نگاری را به خود اختصاص داده است. در دسترس نبودن آثار علمی مکتوب، پراکنده بودن بخشی از سیره نگاری او در ضمن سیره نگاری شاگردان و از میان رفتن بخشی دیگر، صادر نشدن و بازتاب ندادن بسیاری از اخبار اهل بیت به دلیل خوف و تقیه و همچنین اظهارنظرهای متفاوت که ممکن است به اقتضای زمانه و به دلیل حضور گسترده و مؤثر او در عرصه سیاسی، اجتماعی و علمی باشد باعث شده است که قضاوت‌های کاملاً متناقض از او به عمل آید و بین شیعه و ناصبی بودن در تردد باشد. برای اثبات روشمندی مواجهه با گزاره‌های یک متفکر فاقد آثار مکتوب و قضاوت نهایی درباره او، فرایندی لازم است که از جمله آن‌ها بررسی اسامی مرتبط با متفکر است تا استناد گزاره‌ها به او قطعی باشد و همچنین لازم است گردآوری کامل و جامع از گزاره‌های او به عمل آید تا استناد یک نظر به او برآمده از همه گزاره‌های او باشد و قرینه و مطلبی فروگذار نشده باشد. در این نگارش، سعی شد علاوه بر بررسی اجمالی اسامی مرتبط با ابن شهاب زهری، گردآوری کاملی از بازتاب اخبار مرتبط با امیرالمؤمنین علیه السلام در سیره نگاری ابن شهاب ارائه شود. کمترین فایده این اقدام این است که دو گزینه قطعی شیعه و ناصبی بودن مورد تشکیک قرار می‌گیرد و گزینه‌های دیگر تقویت می‌شود و بر این مطلب تأکید می‌شود که یک شخصیت تاریخی اگر به دلایلی دارای ابهام هست و رفع ابهام ممکن نیست لازم است که ابهام به‌عنوان جزئی از مؤلفه‌های شخصیتی و فکری او حفظ شود نه اینکه با تمسک به بخشی از گزاره‌های در دسترس او، قضاوتی ارائه شود که با قضاوت ناشی از گزاره‌های دیگر او در تناقض باشد و از یک شخصیت مبهم تاریخی، شخصیتی کاملاً متناقض به تصویر کشیده شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. نهج البلاغه
 ۲. ابن شبه، عمر (۱۳۹۹ ق)، تاریخ المدینه، به کوشش فهیم محمد شلتوت، مکه.
 ۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۲۷۹ ق)، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
 ۴. ابن عبد البر (۱۴۱۲ ق)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل.
 ۵. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۹۹۵ م)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامه العمری، بیروت، دار الفکر.
 ۶. ابن کثیر (۱۴۲۴ ق)، البدایه و النهایه، محقق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، دار هجر، ۲۱ جلد.
 ۷. ابن مغزلی، علی بن محمد (۱۴۲۴ ق)، مناقب الامام علی ابن ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم.
 ۸. ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۳ ق)، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۹. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۴۲۵ ق)، تذکره الخواص من الامه فی ذکر خصائص الائمه، بیروت، دارالعلوم.
 ۱۰. احمد بن حنبل (۱۳۱۳ ق)، مسند، مصر.
 ۱۱. اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۵ ق)، الاغانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰ جلد.
 ۱۲. امینی، ابراهیم (۱۳۷۶ ش)، بانوی نمونه اسلام، انتشارات شفق، چاپ چهاردهم.
 ۱۳. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ ق)، الغدیر فی الكتاب و السنه و الأدب، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
 ۱۴. بخاری، صحیح بخاری (۱۲۹۶ ق)، قاهره، بولاق، ۱۸ جلد.
 ۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۶ م)، انساب الاشراف، تحقیق سهیل ذکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
 ۱۶. تهرانی، محمدحسین (۱۴۲۷ ق)، معادشناسی، مشهد، علامه طباطبایی، ۱۰ جلد.
 ۱۷. جزری، ابن اثیر (۱۴۱۷ ق)، اسد الغابه، تحقیق عادل احمد الرفاعی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۱۸. جعفریان، رسول (۱۳۷۶ ش)، منابع تاریخ اسلام، قم، انتشارات انصاریان.
 ۱۹. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، موسسه طبع و نشر.
 ۲۰. حسینی میلانی، علی (۱۴۲۹ ق)، حدیث خطبه علی بنت ابی جهل، قم، الحقائق.
 ۲۱. حلی، باسم حسون سماوی (۱۴۲۶ ق)، سنه الرسول المصطفی و ابجديات التحریف، بیروت، دارالاثار.
 ۲۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹ ش)، کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، محقق، حسین درگاهی، تهران، شمس الضحی.
 ۲۳. حیدری نسب، علیرضا (۱۳۹۰ ش)، «زهری و عداوت اهل بیت»، مجله پژوهش‌های قران و حدیث، سال چهل و چهارم، شماره دوم.
 ۲۴. زهری، ابن شهاب (۱۴۰۱ ق)، المغازی النبویه، به کوشش سهیل زکار.
 ۲۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۲۶. شهیدی، جعفر (۱۳۶۸ ش)، زندگانی فاطمه زهرا سلام علیها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم.
۲۷. صائب عبدالحمید (۱۳۸۶ ش)، تاریخ سیاسی و فرهنگی اسلام، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
۲۸. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳ ق)، المصنف، بیروت، المکتب الإسلامی، چاپ دوم.
۲۹. الضاری، حارث سلیمان (۱۴۰۵ ق)، الامام الزهری و اثره فی السنه، اربیل عراق، مکتبه بسام.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲ ش)، المیزان، انتشارات جامعه مدرسین.
۳۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۸۹ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم: علی اکبر شایسته نژاد، تهران، خانه کتاب.
۳۲. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷ م)، تاریخ الرسل و الملوک، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم.
۳۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۵ ق)، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت، دارالهادی، دار السیره، چاپ چهارم.
۳۴. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالجیل.
۳۵. عواجی، محمد بن محمد (۱۴۳۰ ق)، مرویات الامام الزهری فی المغازی، مدینه منوره، چاپ دوم.
۳۶. فرخنده زاد، محبوبه (۱۳۹۶ ش)، «بررسی وثاقت روایات طبری در تاریخ الرسل و الملوک»، جستارهای تاریخی، سال هشتم، شماره اول.
۳۷. فیروزآبادی، مرتضی (۱۳۷۴ ش)، فضائل الخمسه من الصحاح الستة، مترجم، محمدباقر ساعدی، قم، انتشارات فیروزآبادی.
۳۸. گنجی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴ ق)، کفایه الطالب فی مناقب علی ابن ابی طالب، تهران، دار احیاء تراث اهل البیت، چاپ سوم.
۳۹. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۵ ش)، جانشینی حضرت محمد، مترجم، نمایی، احمد قاسمی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۴۱. محقق، محمدباقر (۱۳۶۱ ش)، تهران، اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.
۴۲. محمدی، مائده (۱۳۹۷ ش)، بررسی تحلیلی اخبار مرتبط با امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سیره نگاری ابن شهاب زهری، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.
۴۳. مسلم (۱۳۳۴ ق)، صحیح مسلم، دارالطباعة العامره، ۸ جلد.
۴۴. معروف حسنی، هاشم (۱۴۱۶ ق)، سیره المصطفی، بیروت، دارالتعارف.
۴۵. موسی پور، ابراهیم (۱۳۸۵ ش): «بازجستی در تحلیل مورخان مسلمان از نبود علی علیه السلام در غزوه تبوک» دو فصلنامه اسلام‌پژوهی، شماره دوم.
۴۶. ناظم زاده، اصغر (۱۳۸۶ ش)، الفصول المائه فی حیاة ابی الائمه علی علیه السلام، قم، موسسه بوستان کتاب.
۴۷. نیشابوری، حاکم (۱۴۲۲ ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.
۴۸. وحیدنیا، فرحناز (۱۳۹۵ ش)، بازسازی شخصیت رجالی ابن شهاب زهری در جهات بازکاوی روایات او در مجامع روایی شیعه، مشهد، دانشگاه فردوسی.